



بسم الله الرحمن الرحيم

نام دلنوشته: دنيا

نویسنده: فاطمه گلناز

ژانر: تراژدی، عاشقانه

سطح دلنوشته: برگزیده

مقدمه:

دنيا، دوستت دارم؛ بدون هيچ دليلی!

می‌دانی چرا؟ می‌دانی چرا دلیلی ندارم؟!
چون، برای دوست داشتنت، هیچ دلیلی، لازم نیست!

○ گاهی؛ خسته می‌شوم.
از آدم‌هایی که از جنس غرورند!
گاهی؛ دلگیر می‌شوم.
از انسان‌هایی که زود قضاوت می‌کنند!
ولی، تو همیشه در کنارم بودی و خدایم!
دنیا! تو با ارزشی؛ اما کسی ارزشت را نمی‌داند!
تو مرواریدی گران‌بها هستی و ما انسان‌ها؛
کسانی هستیم که مروارید را نابود می‌کنیم. مواظب خودت باش!

○ دنیا؟!
گاهی صدايت می‌زنم، جواب نمی‌دهی!

دنیا؟!!

چرا ما انسان‌ها این همه طمع داریم؟

دنیا؟!!

چرا پنهان می‌کنیم حقایق را؟

دنیا، تو واقعی نیستی.

خیالی بیش نیستی!

دنیا؟!!

راست است که می‌گویند وجود نداری؟!!

دنیا؟!!

چرا انسان‌ها باید بی‌رحم باشند؟

دنیا؟!!

می‌دانی چقدر انسان از زندگی‌اشان خسته‌اند؟!!

می‌دانی چند نفر می‌میرند؟!!

می‌دانی چند نفر متولد می‌شوند؟!
 نه؛ تو نمی‌دانی!
 چون فقط نامت دنیا است و در گوشه‌ای هستی.

○ خسته‌ام از تو!
 از کسانی که بی‌رحمانه دروغ می‌گویند!
 خسته‌ام از تو و حرف‌های دروغینت
 نامت دنیا است؛ اما خودت از مورچه هم کوچک‌تری!
 پس...
 ادعا نکن!
 کسی هستی؟
 نیستی؛ و نمی‌توانی باشی.

○ حرف‌هایم را پس می‌گیرم.

می‌دانی چرا؟!
 چون تو بی‌رحمانه کارت را می‌کنی.
 ذره‌ای قلب در س*ی*نهات نیست.
 کمی عشق و محبت؛
 کمی غم؛
 و کمی خنده...
 هست؟
 نه!

تو قلبی در س*ی*نه نداری.
 دنیایی، ظالم هستی!

○ دنیا!

چرا بی‌رحمی؟!!

چرا این گونه‌ای؟
 دلم می‌گیرد.
 از حرف‌هایم؛
 ولی،
 تو به ما اهمیت نمی‌دهی!
 بازی را با سرنوشت شروع می‌کنی.
 چرا نمی‌روی و به خدا نمی‌گویی؛ چرا ما را آفریدی؟

○ چرا جواب سوالاتم را نمی‌دهی؟!!

جوابت هياهو باد است؟!!

يا ابرهای آسمان؟!!

يا ماه درخشان؟!!

يا ستاره‌هایی که به دور ماه می‌رقصند؟

کدام؟

جوابی داری؟

نه!

من می‌پرسم،

و تو گوش می‌کنی.

من می‌گیرم،

و تو می‌نگری.

من می‌میرم؛

و تو پا بر جایی.

○ می‌دانی!

خسته‌ام.

از تو،

از باد، از ستاره‌ها، از ابر، از ماه، از خورشید؛

از زمین و زمان.

هه،

به تو فقط باید پوزخند زد!
چون قلبی نداری،
دنیای بی رحم!

○ دنیا!

دروغ‌گوها زیادن.

دنیا!

طمع‌کاران زیادن.

انسان‌های دورو،

انسان‌های حيله‌گر خیلی زیادن!

مواظب باش به رویت خط نیندازند!

این‌ها دروغ می‌گویند، خیلی زیاد!

پنهان می‌کنند حقایق را،

و تو را احمق فرض می‌کنند.

مواظب باش!

○ می‌دانی دنیا؟!

بعضی وقت‌ها دوستت دارم؛

بعضی وقت‌ها دوستت ندارم!

بعضی وقت‌ها قهر می‌کنم؛

بعضی وقت‌ها خوبم!

دلیل این‌ها چیست؟

دنیا!

از ته اعماق قلبم صدايت می‌زنم.

می‌گویم "کمکم کن!"

کجا هستی؟!

○ دنيا؟!!

اگر اشک‌هایم سرازير شوند؛ چه‌کار می‌کنی؟

دنيا؟!!

اگر يك روز، قلبم شكسته شود؛ چه‌کار می‌کنی؟

دنيا؟!!

اگر يك روز، چشم‌هایم را ببندم؛

نفسم را حبس کنم؛

چه می‌شود؟

دنيا؟!!

اگر يك روز،

نبضی نداشته باشم؛

اگر يك روز، بدنم سرد شود،

چه می‌شود؟

اگر يك روز، بمیرم؛ چه می‌شود؟

○ دنيا!

مردن من باعث چی همیشه؟

مردن من، غمی رو هم تو دل کسی ایجاد می‌کنه؟

دنیای من...

چرا این جوریه؟!!

چرا آدم‌های تو این جورین؟!!

با یه حرف خشمگین میشن،

با یه نگاه عاشق!

دنيا!

چرا اشک‌های ما رو مروارید می‌دونن؟!!

دنيا؟!!

تو؛ ای که مرواریدی؛ اشک‌های ما بچه هاتن!

راسته که میگن، تو از جنس غمی؟ اخه اشکها هم بوی غم میدن!
"دنیای من"

○ دنیای من!

هر چقدر هم تلخ باشی؛

هر چقدر شیرین،

من دوستت دارم!

ببخشید عصبانی شدم. بخشید ظالمت کردم!

ولی دوستت دارم.

یادت باشد یک انسان دوستت دارد.

من را جا نگذار از خودت!

دوستت دارم.

○ دنیا، این همه حرف زدم؛ اما حرف اصلی ام را نگفتم!

دنیا، یک آدم هست؛

که خیلی خوبه!

یک آدم هست، که

خیلی بده!

چرا؟!!

چرا ما انسانها این گونه ایم؟

دنیا، چرا سرنوشت هر انسان، پایانش "مرگ" است؟

"دنیا" دوستت دارم بی نهایت.

"دنیا" دوستت دارم تا قیامت.

"دنیا" دوستت دارم با صداقت.

○ دنیا؛

می دانی چند ساعت در روز صداقت می زنم؟

دنیا؛ حرف دلم این است:

- بی اندازه دوستت دارم ... دوستت دارم. مرا دوست بدار!
 دنیا! تو بادی، تو ستاره های آسمانی، تو خورشید پرنوری!
 تو معنی عالم هستی.
 دنیا، زیباترین چیزی که بر زبانم هست نام توست!
 خودت را دوست بدار!

دوستت دارم!

پایان

